

فصلنامه علمی رهیافت های نوین در مطالعات اسلامی

License Number: ۸۵۶۲۵ Article Cod: Y۲N۴A۳۳۷۴ ISSN-P: ۲۶۷۶-۶۴۴۲

پیشگیری از تکرار و توسعه بزه دیدگی توسط پلیس

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۵/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۹/۰۹/۱۲)

جواد منصوری نعلبندان

چکیده

بزه دیده کسی است که یک خسارت قطعی آسیبی به تمامیت جسمی او وارد کرده است و اکثر افراد جامعه هم به این مسأله اذعان دارند. هانس فون هنتینگ پدر علم بزه دیده‌شناسی، بزه دیده را چنین تعریف نموده: که بزه دیده جرم مانند کسی است که کالبد عمل مجرمانه را تشکیل داده است. هنتینگ بزه دیده را در مفهوم مضیق خود مطرح ساخت که ناظر بر مجنی علیه است. پلیس به عنوان یکی از ارگان های دولتی مرتبط با مقوله آسیب های ناشی از جرم، با شناسایی افراد آسیب دیده و بزه دیدگان بالقوه بر وضعیت و شرایط قبل، حین و بعد از ارتکاب جرم تأثیر می گذارد و فرصت ارتکاب جرم را برای مجرمان محدود می سازد و با مداخله در وضعیت بحران و نجات اشخاص آسیب دیده در صحنه های جرم و کاهش مشکلات و دغدغه های آنان در مراحل مختلف سیستم عدالت کیفری نقش بسزایی دارد. بی تردید پلیس با کنار نهادن شیوه های منسوخ دهه های پیشین، با رویکرد نو یا اجتماع گرایی و مشارکت مداری می تواند در راهبردهای حمایتی و خدمات رسانی به بزه دیدگان به صورت مستقیم و غیر مستقیم شرکت جسته و نقش مؤثر و قابل توجه خود را در تحقق عدالت برای بزه دیدگان عملی سازد.

واژگان کلیدی: پلیس، آسیب دیده جرم، پیشگیری، بزه دیدگی، نظم جامعه

بخش اول: مفهوم، ساختار و وظایف پلیس

آگاهی از ساختار پلیس در فرآیند انجام مأموریت‌ها، این امکان را فراهم می‌کند تا بتوانیم در مورد مناسب بودن سازمان و تشکیلات آن و اینکه پلیس بر اساس چنین تشکیلاتی می‌تواند وظایف خود را به منظور کاهش آسیب‌های ناشی از جرم به خوبی انجام دهد یا خیر، شناخته و قضاوت درستی داشته باشیم. در ایران انواع سیستم‌های نظم و امنیت مورد آزمایش قرار گرفته است. اما سیستم نوین ایجاد نظم و امنیت داخلی یعنی سازمان پلیس به زمان ناصرالدین شاه مربوط می‌شود. باتصویب قانون نیروی انتظامی موجود، در تیرماه ۱۳۶۹ وزارت کشور مکلف شد نیروهای انتظامی موجود در آن زمان یعنی شهربانی، کمیته و ژاندارمری را ادغام نماید و سازمانی تحت عنوان نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تشکیل دهد. ماده ۱ این قانون، نیروی انتظامی را سازمان مسلح در تابعیت و فرماندهی کل قوا و مرتبط با دولت، علی‌الخصوص وزارت کشور می‌داند، به طوریکه فرمانده نیروی انتظامی ایران از طریق فرمانده کل قوا منصوب می‌شود. در تبصره ۲ قانون نیروی انتظامی هدف از تشکیل نیروی انتظامی: استقرار نظم و امنیت، تأمین آسایش عمومی و فردی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی در چارچوب این قانون در قلمرو جمهوری اسلامی ایران بیان شده است.

بند اول: تعریف پلیس

پلیس در لغت به معنای نظمیه، نیروی انتظامی و ژاندارمری آمده است. همچنین به مجموعه قواعدی گفته می‌شود که دولت به منظور نظم و امنیت و آرامش کشور وضع و بر جامعه تحمیل می‌کند. مفاهیم و تعاریف پلیس را در سیستم حقوقی ایران می‌توان در متن نظام نامه اداره نظمیه و آیین نامه ژاندارمری و قانون تشکیل نیروی انتظامی ملاحظه کرد:^۱

۱- ماده اول نظامنامه اداره نظمیه مصوب ۱۳۳۳ قمری در ذیل فصل اول از باب اول تحت عنوان قواعد عمومی، پلیس شهری را چنین تعریف می‌کند: «نظمیه عبارت است از هیأتی

^۱ انصاری، ولی‌الله، حقوق تحقیقات جنایی، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۲۰

کشوری که در شهرها برای مراقبت، امنیت عمومی و استقرار نظم و اجرای احکام و نظامنامه‌ها و قواعد اداری و قضایی تشکیل شده است».

۲- ماده اول آیین نامه خدمت ژاندارمری کل کشور، مصوب ۱۳۲۸ خورشیدی در ذیل فصل اول از باب اول مربوط به کلیات چنین تعریف می‌کند: «ژاندارمری نیروی نظامی است که تأسیس آن در کشور به منظور حفظ انتظامات، استقرار امنیت عمومی و نگاهداری راه‌ها، آسایش عمومی و اجرای قوانین، جلوگیری از تخلف قوانین و مقررات و بی‌نظمی، کشف جرایم، تعقیب و دستگیری مرتکبین در تمام راه‌ها و در نقاطی که شهربانی وجود ندارد، انجام گرفته است»..

بند دوم: اهداف و وظایف پلیس

بر اساس ماده ۳ قانون ناجا: هدف از تشکیل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، استقرار نظم و امنیت، تأمین آسایش عمومی و فردی و وظایف ظابطی است. در ذیل به تعریف هر یک از این وظایف پرداخته شده است.

بند سوم: استقرار نظم و امنیت

استقرار نظم و امنیت از جمله مباحث بسیار مهم و مبنایی در سازماندهی امور و انتظام در کارهای حکومتی است. توجه و اهتمام بدین امر مهم در امور داخلی و خارجی حکومت اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد؛ چرا که بدون امنیت، توسعه در هیچ زمینه‌ای (سیاسی، فرهنگی و...) ایجاد نخواهد شد. بی‌تردید از نیازهای اساسی اعضای جامعه، نیاز به نظم و امنیت در جامعه است. وجود نظم و امنیت سبب می‌شود افراد با آسودگی به فعالیت‌های کاری، علمی و تفریحی خود بپردازند. احساس ناامنی سبب تشویش در اذهان جامعه می‌شود. بر مبنای مطالعات جرم‌شناختی، نیروی برقراری امنیت و آسایش در جامعه باید نیروی دولتی و کآزموده باشد تا با ایجاد نیروی الزام آور قانونی سبب امنیت که حق طبیعی افراد در جامعه است شوند. این وظیفه خطیر در کشور ما به پلیس واگذار شده است تا با کآزمودگی و پایین

آوردن سطح اشتباهات خود، جامعه ای امن و عاری از هرگونه تشویش ایجاد نماید. بر اساس ذاتی بودن احساس نظم و امنیت، از ابتدا در همه جوامع بشری نیروی الزام آور امنیت وجود داشت هرچند به اشکال متفاوتی وظیفه امنیت را بر عهده می گرفتند. در جامعه ما این وظیفه بر عهده پلیس می باشد تا با مجهزترین تجهیزات و بر مبنای قانون درصد امنیت در جامعه را افزایش دهد. پلیس نباید و نمی تواند به تنهایی بار مسئولیت تأمین نظم و امنیت را در جامعه به دوش بکشد و از این رو کارکنان نیروی انتظامی باید بیش از گذشته تلاش کنند تا شهروندان را در تمامیت کار پلیس مشارکت دهند. فرماندهان و مسئولان انتظامی با استفاده از دیدگاه‌های مردم برمشکلات امنیتی، انتظامی و ترافیکی و همچنین خواسته‌های جامعه آگاهی یافته و از آن در راستای تأمین نظم و امنیت بیشتر جامعه استفاده خواهند کرد.

بند چهارم: تأمین آسایش عمومی و فردی

در بررسی مقررات مواد ۳ و ۴ قانون نیروی انتظامی ملاحظه می شود که قانون گذار صریحاً تأمین آسایش عمومی و فردی در جامعه اسلامی را یکی از وظایف مأموران نیروی انتظامی قرار داده است اما در این مواد و سایر قوانین موضوعه گرچه عنوان آسایش عمومی مانند واژه های نظم و امنیت استقلال شده و تعریفی از آن ارائه نگردیده است. آنچه از نحوه بکارگیری عناوین سه گانه مندرج در مواد مزبور به دست می آید این است که قانون گذار عنوان تأمین آسایش را بعد از عناوین استقرار نظم و امنیت مورد توجه قرار داده است و این امر نشان می دهد که بین استقرار نظم و امنیت در جامعه با تأمین آسایش عمومی و فردی، ملازمه عرفی موجود است. یعنی لازمه تأمین آسایش عمومی و فردی، استقرار قبلی نظم و امنیت است. به سخنی دیگر پس از استقرار نظم و امنیت در جامعه امکان تأمین آسایش برای افراد ملت، اعم از آسایش عمومی و فردی میسر خواهد شد. با این تعبیر مراد از آسایش، به طور کلی این خواهد بود که افراد ملت، با وجود استقرار نظم و امنیت، قادر خواهند بود هر نوع فعالیت مشروع اقتصادی، صنعتی، فرهنگی، اجتماعی و شغلی که مایل باشند در محیط زندگی خود اشتغال ورزند و زمینه شکوفایی و پیشرفت آنها فراهم باشد. گفتنی است تأمین آسایش در

معنای واقعی آن، علاوه بر فعالیت هایی که مأموران نیروی انتظامی در انجام وظایف محوله قانونی خود به مرحله اجرا می گذارند، بستگی به وجود عناصر دیگری از جمله اطاعت مردم از قوانین و نحوه انجام وظیفه مأموران دولتی دارد. با توجه به مطالبی که پیرامون مفهوم استقرار نظم و امنیت گفته شده و به طور کلی، به جهت ملازمه عرفی بین واژه های آسایش عمومی و فردی و واژه های نظم و امنیت، هم چنین وحدت ملاک قانونی مفاهیم در تعریف آسایش عمومی و فردی می توان گفت تأمین آسایش به طور کلی عبارت است از فراهم آوردن موقعیت مناسب در جامعه برای افراد ملت توسط فعالیت گوناگون مأموران انتظامی در چارچوب قانون است به طوری که اشخاص در سایه وجود چنین بستری مناسب، با اطمینان به هر نوع فعالیت فردی که مایلند مبادرت نمایند.^۱

بخش دوم: تقویت و توسعه سازمان پلیس و نهادهای حامی بزه دیده در آن

با توسعه علم و فن آوری، توسعه نهاد پلیس و نهاد های حامی بزه دیده که شامل مددکاری اجتماعی و خدمات مشاوره پلیس می شود از ضروریات است که ذیلاً با آن پرداخته می شود.

بند اول: تقویت و تجهیز سازمان پلیس

باتوجه به نقش تعیین کننده دسترسی سریع بزه دیده به پلیس و همچنین تاثیرات دسترسی پلیس به بزهکار بلافاصله بعد از جرم تقویت و تجهیز سازمان اهمیت پیدا می کند. در اختیار داشتن جدیدترین و علمی ترین تکنولوژی موجب می شود که پلیس در کشف و پیگیری بزهکاران مقتدر بوده و بخصوص در دستگیری بزهکارانی که با وجود ضریب هوشی بالا به آسانی در دام پلیس نمی افتند ابتکار عمل به خرج دهد. همان گونه که امروز پلیس ها با بکارگیری و استفاده از فنون ساینر علوم توانسته است در کشف جرم و تعقیب مجرمان نقش برجسته ای ایفاء کند. بعنوان مثال امروزه پلیس توانسته با استفاده از فنون انگشت نگاری، چهره نگاری، سم شناسی و همچنین پیشرفت های پزشکی دیگر از جمله آزمایش خون،

^۱ ولیدی، محمد صالح، بررسی و تبیین مفاهیم نظم و امنیت و آسایش عمومی و فردی، نشریه علوم انسانی "دانش

اینترنت پرسرعت و... نقش خود را نسبت به زمان‌های قبل بهتر انجام دهد. لذا سازمان پلیس برای ایفای بهتر وظایف خود باید همواره به پیشرفت حاصل سایر علوم مجهز باشد تا بتواند وظیفه خطیر خود را در جامعه انجام دهد. با در اختیار داشتن امکانات پیشرفته، امکان خطای پلیس کاهش یافته و با سرعت بیشتری مجرمان را دستگیر می‌کند.

بند دوم: توسعه نهادهای حامی بزه دیده در سازمان پلیس

الف-مددکاری اجتماعی

آنچه که امروزه تحت عنوان مددکاری اجتماعی در جهان مطرح می‌شود، عبارت است از: «فعالیت ویژه‌ای که از برخی موسسات رفاه اجتماعی آن را بر مراجعان خود عرضه می‌کند، یعنی به آنها یاری می‌رساند تا با مشکلاتی که در انجام کار و وظایف اجتماعی خود رو به رو می‌شوند، با کارایی بیشتر مقابله کنند» مددکاری اجتماعی برای ارائه خدمات حرفه‌ای خود، از سه روش مستقیم و سه روش غیر مستقیم استفاده می‌کند. روشهای مستقیم آن عبارتند از: مددکاری فردی یا کار با فرد، مددکاری گروهی یا کار با گروه، مددکاری جامعه‌ای یا کار با جامعه. سه روش غیر مستقیم آن نیز شامل، مدیریت در موسسات خدمات اجتماعی، تحقیقات رفاه اجتماعی و اقدامات اجتماعی می‌شود. روش‌های شناسایی و درک شرایط و موقعیت مددجود و کشف مشکل و علل بروز و ظهور آنها را در چهار موضوع می‌توان بررسی کرد:

۱- مشاهده (دیده‌ها) ۲- مصاحبه (شنیده‌ها و گفته‌ها) ۳- مطالعه (یافته‌ها) ۴- مکاشفه (

پرداخت‌ها، تجزیه و تحلیل‌ها، ارزیابی‌ها، استنتاج‌ها) ۱

مهمترین وظایف اداره کل مشاوره و مددکاری اجتماعی عبارتند از:

^۱ آقایی، سید سعید، مبانی مددکاری اجتماعی، انتشارات دانشکده تهران، ۱۳۸۳، صص ۲۴ و ۳۵

- ۱- تعیین معیار و شاخص های لازم برای تأسیس و تأمین امکانات (نیروی انسانی و تجهیزات) و توسعه مراکز مشاوره و دفاتر مددکاری اجتماعی کلانتری‌ها و پاسگاهها
- ۲- راه‌اندازی و توسعه مراکز مشاوره و واحدهای مددکاری اجتماعی و صدای مشاوره در سراسر کشور متناسب با نیاز فرماندهی انتظامی استانها.
- ۳- ارزیابی و تعیین صلاحیت تخصصی مسئولین و کارشناسان مراکز مشاوره و دفاتر مددکاری اجتماعی کلانتریها و پاسگاهها و نظارت بر عملکرد آنها
- ۴- برنامه‌ریزی و برگزاری کارگاههای آموزشی به منظور مهارت‌افزایی حرفه‌ای کارشناسان، مشاوران، مددکاران و سایر منابع انسانی متخصص در مراکز و دفاتر مشاوره و مددکاری اجتماعی بر اساس نیازسنجی آموزشی و مأموریت‌های محوله
- ۵- امنیت و بهداشت روانی جامعه را به خطر می‌اندازد بر اساس مشکلات و یافته‌های آمار مراجعان به دفاتر مشاوره و مددکاری اجتماعی (با همکاری اداره کل مطالعات اجتماعی)
- ۶- ایجاد هماهنگی و تعامل با انجمنهای علمی تخصصی از جمله روانشناسی، مددکاری، جامعه‌شناسی به منظور دستیابی به آخرین فن‌آوری‌های علمی در زمینه پیشگیری و درمان آسیبها و ناهنجاریهای اجتماعی و ارائه راهکارهای مؤثر.
- ۷- برگزاری و شرکت در نشستهای علمی - تخصصی با حضور اساتید و کارشناسان (درون سازمانی و برون سازمانی) به منظور همفکری در بالا بردن سلامت روانی جامعه.
- ۸- تعیین رفتارهای آسیب‌زای غالب و حاکم بر یک منطقه خاص از طریق تجزیه و تحلیل داده‌های آماری مراجعان و انعکاس به مبادی ذیربط در جهت هدایت رفتارهای ناهنجار به سوی رفتارهای متعارف آن منطقه (با هماهنگی اداره کل مطالعات).
- ۹- نظارت بر عملکرد و نحوه ارائه خدمات در مراکز مشاوره و دفاتر مشاوره و مددکاری اجتماعی

- ۱۰- جمع‌آوری، تحلیل و پردازش عملکرد و آمار مراکز و دفاتر مشاوره و مددکاری اجتماعی سراسر کشور و انعکاس آن به مبادی ذریبط
- ۱۱- بررسی و پیشنهاد عناوین و نیازهای تحقیقاتی مربوط به مأموریت‌های اداره کل مشاوره و مددکاری و انعکاس آن به مبادی ذریبط.

نیروی انتظامی و پلیس به این نتیجه رسیده است که بسیاری از مشکلات و مسائل اجتماعی راهکار انتظامی ندارند و این مسائل را باید از طریق اجتماعی حل کرد. برای در پیش گرفتن چنین رویه‌ای نیاز به آموزش، تربیت و شناخت وجود دارد. به همین دلیل برابر تدابیر فرماندهی محترم ناجا دفاتر مددکاری اجتماعی در کلانتریهای کشور ما، با اهداف تقویت نقش حمایتی ناجا در جامعه، کاهش حجم پرونده‌های ارجاعی به مراجع قضایی، ایجاد فراغت خاطر بیشتر برای مراکز انتظامی در رسیدگی به امور اساسی‌تر، پیشگیری از وقوع جرم در جامعه راه اندازی شد. در واقع معاونت اجتماعی که مددکاری زیرمجموعه آن است نقش پل ارتباطی میان مردم و نیروی انتظامی را ایفا می‌کند و پلیس از طریق این معاونت ارتباط خود با مردم را استحکام می‌بخشد. مددکاران اجتماعی بایستی با برقراری تعامل مستمر با مرکز مشاوره در جهت برطرف کردن چالش‌های فرا روی دوایرمددکاری‌ها و کلانتری‌ها تلاش نمایند. بیشترین تعداد مراجعان به مددکاری اجتماعی کلانتری‌ها، اختلافات خانوادگی را مطرح می‌کنند که اکثر آنها پس از انجام مشاوره و بدون شکایت از کلانتری خارج می‌شوند. با تأسیس معاونت اجتماعی در سال ۷۸ و پس از راه‌اندازی مددکاری اجتماعی، بسیاری از مراجعات به کلانتری‌ها که در پی مشکلات اجتماعی انجام می‌گیرد، قبل از ارجاع به دادگاه با مشاوره کارشناسان دایره مددکاری اجتماعی کلانتری حل و فصل می‌شود. پلیس به عنوان ضابط قوه قضاییه؛ و قوه قضاییه به عنوان نهادی که باید با جرائم برخورد کند باید نسبت به ابعاد مختلف جرائم شناخت داشته باشند. «امروز مددکاران اجتماعی به عنوان اهرم مفیدی جهت کاهش تراکم پرونده‌های قضایی از طریق ایجاد سازش در پرونده‌های مذکور جایگاه خویش را تثبیت کرده است. در خصوص پرسنل مددکاری اجتماعی پلیس می‌توان گفت این

بخش از معاونت اجتماعی وظیفه مشاوره و مددکاری اجتماعی را به عهده دارد و افرادی که حداقل تحصیلات آنها لیسانس است وظیفه مشاوره روانشناسی، مطالعات خانواده و ... را انجام می‌دهند. در حال حاضر ۴۰ مرکز بزرگ در کشور وجود دارد و در اکثر کلانتری‌ها نیز دایره مددکاری اجتماعی فعالیت می‌کند».

ب- خدمات مشاوره حقوقی

ایده تأسیس مراکز مشاوره در نیروی انتظامی برای اولین بار در سال ۱۳۷۸ شکل گرفت. نتایج بررسی علل ارتکاب جرایم، سیستم هدایتی و تربیتی در قالب ارائه خدمات مختلف مشاوره ای را به وضوح نشان می‌داد. مأموریت مراکز مشاوره ناجا برآورد آسیب‌های روانی- اجتماعی، به منظور سیاست‌گذاری و برنامه ریزی کلان در زمینه ارتقای سطح بهداشت روانی جامعه و پیشگیری اجتماعی در راستای تأمین امنیت اجتماعی است. در این راستا اولین مراکز مشاوره ناجا به صورت آزمایشی در تاریخ ۱۶/۷/۱۳۷۹ در فرهنگسرای خاوران و اندیشه تأسیس گردید. به دلیل نتایج مثبت و استقبال چشمگیری که از این طرح شد، مقرر گردید در سال ۱۳۸۰ در ۱۱ کلان شهر کشور مرکز مشاوره تأسیس شود. در سال‌های بعد تأسیس مراکز مشاوره ادامه یافت، به نحوی که در سال ۱۳۸۸ ۴۵ مرکز مشاوره در تهران بزرگ و مراکز فرماندهی انتظامی استان‌ها وجود دارد که به ارائه خدمات مشاوره ای روانشناختی و مددکاری اجتماعی به هم وطنان مبادرت می‌ورزند.^۱ اطلاعات تهیه شده برای بزه دیدگی می‌تواند شامل موارد ذیل باشد:

- تکنیک‌های دفاع از خود
- راه‌های جدید گزارش جرم به پلیس
- نشانی کلانتری‌ها و مقرهای پلیس
- معرفی مناطق خطرناک

^۱ قاسمی، مسعود، پایان نامه نقش پلیس در کاهش آسیب‌های ناشی از جرم، ص ۱۶۳ و ۱۶۴ و ۱۶۵

• معرفی بزه کاران ساکن در محل

تهیه اطلاعات برای بزه دیدگان می تواند به یکی از دو شکل زیر باشد:

- پلیس می تواند اطلاعات کلی مرتبط با جرایم و راه های پیشگیری از آن را برای کسانی که نگران جرم هستند ارائه کند یا راه هایی تبلیغاتی معینی را برای تمام افراد جامعه ارائه دهد
- نوع دوم از تبلیغات بزه دیده محور بر جرم خاص تمرکز کرده و به بزه دیدگان، مراحل اجتناب از جرم یا راه های کاهش ترس آنان از جرم را ارائه می کند. تبلیغات بزه دیده محور اغلب حاصل همکاری پلیس و جامعه در انجام نظرسنجی های مختلف است. تیزر های مربوط به ضد سرقت کردن

بخش سوم: بررسی جزایی و پیشگیری از تکرار و توسعه بزهکاری

تکرار جرم یکی از زمینه ها و منابع اصلی تغییر و تحول در سیاست گذاری جنایی و از جمله در سیاست گذاری جنایی ایران بوده است. در اینجا مروری بر سیاستهای اتخاذی نسبت به تکرار جرم در قانون گذاری جزای ایران به برخی نتایج آن به طور خلاصه اشاره می شود.

بند اول: پیشگیری از وقوع بزهکاری

مسئله تکرار جرم، خواه در مرحله پیشگیری اولیه از آن که انگیزه اصلی قانون گذاران جهت وضع قوانین مؤثر و کاراست یا در مرحله پیشگیری ثانویه آن و بعد از ارتکاب جرم که حاکی از عدم موفقیت تدابیر اتخاذی نسبت به مجرمان اولیه بوده است، موجب ظهور و بروز رویکردهای مختلفی شده است. اولین، عمومی ترین و در عین حال، غریزی ترین رویکرد قانون گذاران برای پیشگیری از تکرار جرم، تشدید مجازات بزه کاران مکرر، بر اساس اندیشه بازدارندگی کیفیها بوده است. در عین حال هم اجرای قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار و هم اجرای قانون اقدامات تأمینی مستلزم اتخاذ تدابیر و استفاده از دانشهای دیگر و نیز ایجاد سازو کارهای متعدد بوده است. ارزیابی حالت خطرناک و مدیریت خطر،

پیش بینی جرم و امکان تکرار آن، تشکیل پرونده شخصیت در کنار پرونده عمل مجرمانه، بررسی تخصصی و تیمی بزهکار و بزهکاری در کنار قاضی کیفری ضرورت مراجعه قاضی به متخصصان دیگر جهت اتخاذ تصمیم مناسب و نیز ایجاد سازو کارهای دیگر از جمله تأسیس کانون اصلاح و تربیت اطفال، تیمارستان مجرمان غیر مسئول، تبعیدگاه مجرمان به عادت، کارگاههای کشاورزی و صنعتی و ایجاد مراکز معالجه مجرمان معتاد به استعمال الکل و مواد مخدر از جمله شرایط ضروری دیگر جهت اجرای رویکرد اصلاحی تربیتی در قوانین ناظر به دادگاه اطفال بزهکار و اقدامات تأمینی بوده است.

بند دوم: پیشگیری از تکرار بزه دیدگی

پلیس نماینده عدالت کیفری بوده و نقش کلیدی در روند ترک تکرار جرم و پیشگیری از تکرار جرم بازی می کند. اغلب، تعداد بی شمار افسران در حال گشت در خیابان ها، احساس امنیت بیشتری بین ساکنان منطقه ای مشخص ایجاد می کند. پلیس می تواند از طریق ارائه اطلاعات کلی در مورد شیوه های اجتناب از بزه دیدگی، به پیشگیری از جرم کمک کند. تاکنون، بسیاری از ادارات پلیس آموزش های پیشگیری از جرم و نحوه محافظت از اموال و اماکن تجاری را برای بازرگانان اجرا نموده اند و یا روش های محافظت از سرقت منازل را برای ساکنین محله ها و مجتمع های مسکونی تعلیم داده اند. پیشگیری از تکرار بزه دیدگی مستلزم ارائه اطلاعات دقیق جمع آوری شده در مراحل مختلف فرآیند پیشگیری از جرم است. به ویژه پلیس می تواند دسترسی به اطلاعات آماری در مورد جرم را در آسیب-شناسی علل جرم ارائه دهد. محتمل است که یک سری الگوهای رفتاری ثابت باعث قربانی شدن افراد و تکرار بزه دیدگی آنان می شود و باعث شود که افرادی که این گونه رفتارها از خود نشان می دهند به "قربانیان همیشگی" برای جرایم تبدیل شوند این احتمال نیز وجود دارد که در بار دوم افراد از سوراخی که یک بار گزیده شده اند دوری کنند کسانی که تجربه قربانی شدن در جرایم را دارند معمولاً برای کاهش خطر "دوباره قربانی شدن" چاره ای می اندیشند. لاری جی سیگل در کتاب جرم شناسی می نویسد عواملی را که در بروز حالت قربانی شدن برای

چندمین بار دخیل هستند می‌تواند مجموعه‌ای از عوامل شخصی و اجتماعی باشد، که خطر بروز چنین شرایطی را افزایش می‌دهد. بیشترین تکرارها در قربانی شدن خیلی زود بعد از قربانی شدن دفعه قبل صورت می‌گیرد و این خود، نشانگر این واقعیت است که گویا قربانیان، ویژگی‌ها و مشخصه‌هایی دارند که نظر مجرمان را جلب می‌نماید. توجه پلیس به سه نوع ویژگی را که باعث وقوع حالت قربانی شدن در آینده می‌شود، قابل ملاحظه است:

۱- ضعف و آسیب‌پذیری: ضعف جسمانی و روانی نشان می‌دهد که آیا شخص می‌تواند مقاومت و مقبله به مثل کند یا اینکه زود تسلیم می‌شود. افرادی که این مشخصه را دارند، شکار آسانی خواهند بود.

۲- داشتن چیزهایی که مجرم یا سارق را ارضا می‌کند: برخی افراد ویژگی‌هایی دارند که باعث می‌شود خطر قربانی شدن آنها بالا رود. این ویژگی‌ها شامل کالاها و اموال باارزش، دارایی، مهارت و یا ویژگی‌هایی که مهجم در پی به دست آوردن، استفاده و دسترسی داشتن به آنها می‌باشد.

۳- ضدیت: برخی ویژگی‌ها در انسان خطر رویارویی با جرم را افزایش می‌دهد، چرا که این ویژگی‌ها می‌توانند عصبانیت، حسادت و یا میل به ویرانگری ایجاد کند بی‌بند و باری و همجنس‌بازی نیز می‌تواند باعث مشاجرات خیابانی شود. لجوج و ترش بودن نیز می‌تواند منشأ رفتارهای کودک در خانه باشد.

پیشگیری از بزه دیدگی مکرر می‌تواند شیوه‌ی قدرت‌مندی نه تنها برای کاهش بزه دیدگی کلی، بلکه برای تصریح بهبودی روانی بزه‌دیده نیز باشد. بنابراین برنامه‌های کمک به بزه‌دیده باید وظیفه خود را در دو بخش در نظر بگیرد: برگرداندن بزه‌دیده به وضعیت یکپارچه پیشین پس از بزه دیدگی کنونی؛ و پیشگیری دوباره وی. مسئله اساسی در پیشگیری این است که کجا و چگونه می‌توان پیشگیری از جرم را به کار گرفت. منطقی این است که منابع محدود به اشخاصی که بیشتر در معرض خطر قرار دارند اختصاص داده شود. همچنان که تا کنون معلوم گردیده است، نشان می‌دهد خطر بزه دیدگی آتی کسانی که یکبار بزه دیده جرمی واقع شده

اند در مقایسه با سایرین بیشتر است. در بریتانیا، منازلی که یکبار مورد سرقت واقع شده اند چهاربرابر بیشتر از سایر منازل هدف سرقت واقع گردیده اند و ۲۲ درصد از سرقت‌های وسائط نقلیه، تنها از هشت درصد بزه دیدگان انجام شده است. خطر تکرار بزه دیدگی بلافاصله بعد از بزه دیدگی اولیه، به گوناگونی و تنوع جرایم از قبیل جرایم مرتبط با مدرسه، سرقت اماکن مسکونی، جرایم ناشی از تعصب، خشونت‌های خانوادگی، درگیری با همسایگان، خرده فروشی مواد مخدر و غیره بستگی دارد. وجود آماج‌های مستعد بزه دیدگی نقش مؤثری در افزایش نرخ بزهکاری نیز ایفا می‌کند از دیگر سو تنها بزهکاری نیست که هزینه‌های اجتماعی اقتصادی فراوانی ایجاد می‌کند، بلکه بزه دیدگی و به ویژه بزه دیدگی مکرر نیز بخش عظیمی از هزینه‌ها را به خود اختصاص می‌دهد. تنها کافی است تا انواع هزینه‌هایی را که شهروندان جهت پیشگیری از بزه دیدگی خود در قبال گونه‌های مختلف اقدامات مجرمانه از قبیل سرقت منزل، اتومبیل، مراکز تجاری اداری، و یا برای حفاظت از جان یا سایر مصالح خود انجام می‌دهند در نظر گرفته، بیندیشیم که چه میزان بزرگی از فرصتهای زندگی، امکانات اقتصادی، مدیریتی و ... در سطوح فردی و اجتماعی صرف چنین موضوعی می‌شود. با وجود این گرچه اقدامات و راهبردهای اتخاذ شده توسط شهروندان در پیشگیری از بزه دیدگی آنها نقش مؤثری ایفا می‌کند، اما نکته اساسی نقش و سهمی است که مراجع سیاست‌گذار به ویژه قوای مقننه، مجریه و قضاییه و برخی نهادها از جمله پلیس می‌توانند در جهت پیشگیری از بزه دیدگی و به ویژه بزه دیدگی مکرر داشته باشند. بزه دیدگی یا تحمل بزه موجب سلب اعتماد بزه دیده از محیط اجتماعی و کارایی نهادهای تأمین‌کننده امنیت عمومی، کاهش قدرت کنترل و مهار او نسبت به واقعیت‌های زندگی، احساس مفراط ترس و ناامنی روانی، تقلیل میزان فعالیت‌های اجتماعی اقتصادی، امکان الصاق برچسب بر بزه دیده و در نتیجه کاهش منزلت اجتماعی او می‌شود، نیز ایجاد اختلال و گسست در رابطه میان بزه دیده و جامعه، صرف هزینه‌های هنگفت اقتصادی جهت اعاده وضع به حالت سابق در برخی موارد قابل تحقق، تحمل ناتوانی و نقص حاصل از بزه دیدگی به ویژه در جرایم علیه تمامیت جسمانی و ادامه حیات با تجربه حذف و زوال زندگی یکی از اعضای خانواده یا بستگان در

جرایم علیه خویشاوندان و ... است. در بسیاری از پژوهشها بر نقش و تأثیر بزه دیدگی به ویژه بزه دیدگی دوران کودکی در بزه کاری دوره بزرگسالی تأکید شده است. در واقع بزهکاری دوره کودکی و یا بزرگسالی را نیز باید یکی از هزینه های بزه دیدگی و به طور کلی بزه دیدگی دوره کودکی به نحو اخص دانست. بدین ترتیب علاوه بر سیاست گذاری ناظر بر پیشگیری از بزه کاری و تکرار آن، پیشگیری از بزه دیدگی و به ویژه پیشگیری از بزه دیدگی مکرر عرصه دیگری از سیاست گذاری هایی است که باید مدنظر قرار گیرد. نکته مهم در این خصوص آن است که بخش مهمی از علل بزه دیدگی مکرر را باید در ساختارها رسمی همانند نهادهای کشف و تعقیب جرم، تحقیق، محاکمه و اجرای حکم جستجو کرد. علاوه بر این عدم ایجاد سازوکارهای حمایتی از بزه دیدگان و صرف پاسخگویی رسمی کیفری به بزهکاران، در بسیاری موارد زمینه ساز بزه دیدگی مکرر است.

بند سوم: پیشگیری از تکرار بزه دیدگی زنان

بعضی طبقات همچون زنان به دلیل عوامل خاص زیست‌شناختی و اجتماعی، پیش‌زمینه و استعداد قبلی برای بزه دیده واقع شدن دارند و یکبار بزه دیده شدن سبب تکرار بزه دیدگی میشود. براساس یافته‌های جرم‌شناختی، بزه‌کاران بالقوه قربانیان خود را غالباً از میان افرادی انتخاب می‌کنند که ارتکاب جرم بر روی آنها دارای خطر و هزینه بالایی نباشد. بنابراین زنان به عنوان افراد بالقوه آسیب‌پذیرتر از مردان، آماج‌های مطلوبی برای آنها محسوب می‌شوند. بالا بردن خطر ارتکاب جرم بر روی زنان از طریق بالا بردن هزینه کیفری ارتکاب جرم می‌تواند در فرایند گزینش آنها توسط بزه‌کاران تأثیر گذاشته و در نتیجه ضریب بزه‌دیدگی زنان را کاهش دهد. زنان، بیش‌تر از مردان (چه در درون خانه و چه بیرون از آن) در معرض خطر بزه‌دیدگی قرار دارند، بدین سان بحث پیش‌گیری از بزه‌دیدگی آنان یا کاهش خطر بزه‌دیده واقع شدن آنها و یا پیشگیری از تکرار بزه‌دیدگی آنان مطرح می‌شود. زیرا آمار وسیع منتشر شده نشان می‌دهد خطر بزه‌دیدگی آتی کسانی که یک بار بزه‌دیده جرمی واقع شده‌اند در مقایسه با سایرین بیش‌تر است. هم‌چنین مشاهدات نشان می‌دهد که افراد فوق بیش‌تر از

دیگران قربانی جرائم واقع می‌شوند. شکی نیست که چنین بزه‌دیدگان بالقوه‌ای، به کمک و حمایت بیش‌تری از دستگاه عدالت و پلیس نیازمندند. گذشته از تأسیس نهادها و مؤسساتی در قالب رسمی و غیررسمی و مردمی به منظور حمایت و مراقبت از زنان قربانی خشونت‌های خانوادگی، آموزش و دادن آگاهی‌های لازم پلیس در زمینه خطراتی که زنان را تهدید می‌کند به منظور مراقبت از خویشتن، آموزش زنان نسبت به حقوق انسانی و قانونی خود از طریق کلیه رسانه‌ها و تشویق آنان به افشاگری خشونت‌ها علیه خود به ویژه در درون خانواده‌ها، حساسیت‌آفرینی و آموزش پرسنل پلیس، قضات و وکلا در خصوص چگونگی مقابله، پی‌گیری و برخورد قاطع با جرایم و خشونت‌هایی که زنان را قربانی می‌کند، ایجاد خانه‌های امن برای مراجعه زنان قربانی خشونت و...

سرنوشت دختری که به دلیل خشونت والدین از منزل فرار کرده، در خیابان متواری شده و در اندک مدتی مورد تجاوز قرار گرفته است. چگونه ممکن است انتظار داشته باشیم که وی با مراجعه به پلیس مورد خشونت و تجاوز قرار نگیرد از طریق پاسخ کیفری به زانی و الزام دختر به بازگشت به منزل، انتظار داشته باشیم که وی مکرراً مورد خشونت قرار نگیرد؟ چه اقدام یا اقدامات فراقیفری بر ای پیشگیری از بزه دیدگی مکرر این گونه افراد در کانون خانواده، اجتماع و حتی نهادهای عدالت کیفری از جمله پلیس در ایران وجود دارد؟ امروزه حقوق کیفری در پرتو اتخاذ یک سیاست کیفری افتراقی به حمایت ویژه از زنان بزه‌دیده دست زده است. در کنار مقرر کردن حمایت‌های ویژه در فرآیند کیفری از طریق معاضدت حقوقی رایگان، دادن نقش بیش‌تر به آنها برای ارائه نگرانی‌ها و نظریات خود، جبران خسارت‌های مادی، روانی و معنوی آنها و غیره. حقوق کیفری در بعد ماهوی خود نیز پیشرفت‌های قابل توجهی داشته است که دقیقاً متأثر از نظریات بزه‌دیده‌شناختی و جرم‌شناختی فوق‌الذکر هستند. نگاهی به قوانین کیفری ایران نشان می‌دهد که تشدید مجازات بزه‌کارانی که بزه‌دیده آنها یک زن است به عنوان یکی از مؤلفه‌های «سیاست کیفری افتراقی» مورد پذیرش قرار نگرفته است بلکه در مواردی آنها را از حمایت کیفری یکسان با مردان در قبال

تعرضات مجرمانه علیه جسم و جانشان محروم ساخته است. چرا که برای یک بزهکار بالقوه (مجرم برانگیخته شده) آماج‌ها و اهداف مناسب و مطلوبی می‌باشند که به علت ناتوانی و ضعف آن‌ها، خطر و هزینه ارتکاب جرم بر روی آن‌ها پایین بوده (قربانیان مناسب) و با فقدان موانع قوی (از جمله سازوکار تشدید کیفر) به نظر می‌رسد که انتخاب اول بزه‌کاران چنین بزه‌دیدگانی باشند. پلیس میتواند از طریق بالا بردن آگاهی زنان از شیوه‌هایی که بزهکاران برای ارتکاب جرم بکار می‌برند هوشیاری مردم بخصوص زنان در منزل را که بیشتر بدلیل عدم آگاهی و ساده لوحی خود بره دیده واقع میشوند از وقوع و تکرار بزه دیدگی پیشگیری کند همانطوریکه امروزه برخی به دلایل مامور گاز و برق زنگ‌ها را میزنند و زنان بدون توجه به اینکه مامور هستند یا نه اجازه ورود به منزل را میدهند و بزهکار به راحتی تمام کار خود را انجام میدهد. بنابراین پلیس میتواند با گسترش چتر حمایتی خود (افزایش آگاهی زنان) از تکرار بزه دیدگی زنان پیشگیری کند.

بند چهارم: پیشگیری از تکرار بزه دیدگی کودکان

همانطور که ذکر شد بعضی طبقات به دلیل عوامل خاص زیست‌شناختی و اجتماعی، پیش‌زمینه و استعداد قبلی برای بزه دیده واقع شدن دارند و یکبار بزه دیده شدن، سبب تکرار بزه دیدگی آنان می‌شود. کودکان به دلیل ضعف جسمی و اجتماعی، بیشتر هدف بزه دیدگی و تکرار بزه دیدگی قرار می‌گیرند؛ از طرف دیگر ضعف حمایت‌های قانونگذار در زمینه جرم‌انگاری‌های ویژه، افزایش مجازات بزهکاران کودکان و فقدان خسارت‌زدایی کامل از کودک بزه دیده، سبب افزایش جرم و تکرار بزه دیدگی کودکان می‌شود. کودکی دوران پایه‌گذاری شخصیت انسان است. ناتوانی جسمانی و عقلانی کودک ایجاب می‌کند که قانونگذار حمایت‌های خاص خود را مبذول این گروه از جامعه نماید. وجود این حمایت‌ها از اقشار ضعیف جامعه مثل زنان، زندانیان، آوارگان، پناهندگان و غیره نیز احساس می‌گردد؛ اما آنچه اهمیت این گونه حمایت‌ها را در خصوص کودک پررنگ‌تر مینماید، شکل‌گیری وجود انسان و ابعاد شخصیتی وی در این مرحله از زندگی است. پیشگیری از تکرار بزه

دیدگی کودکان ناظر به اعمال سیاست‌هایی است که از بزهدیدگی مجدد کودک بعد از بروز جرم، به ویژه در مرحله کشف و تحقیق و رسیدگی و صدور رأی جلوگیری میکند. مقنن در مواردی، کودکی بزهدیده را از علل تخفیف دانسته است؛ مثلاً در جرم قذف که مستوجب حد (هشتاد ضربه شلاق) است در ماده ۱۴۶ قانون اسلامی، شرط اجرای حد را، بلوغ، عقل، اختیار و قصد قذف کننده دانسته و از طرفی برای قذف شونده نیز شرط بلوغ، عقل، اسلام و عفت را قرار داده است. همچنین در ماده ۱۴۷، انسان بالغ و عاقلی که شخص نابالغ را قذف می‌کند، مستوجب تعزیر تا ۷۴ ضربه شلاق دانسته است. بنابراین نابالغ بودن بزهدیده از موارد تبدیل حد به تعزیری، یعنی از موارد تخفیف است. از جمله مواردی که کودکی بزهدیده موجب تشدید مرتکب می‌شود، می‌توان به ماده ۶۲۱ قانون اسلامی اشاره نمود. مطابق ماده فوق، هر کس به قصد مطالبه وجه یا مال، یا به قصد انتقام یا هر منظور دیگری، به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگر، شخصاً یا توسط دیگری شخصی را برباید یا مخفی کند، به حبس از پنج تا پانزده سال محکوم خواهد شد و در صورتی که سن مجنی علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد، مرتکب به حداکثر تعیین شده محکوم خواهد شد. مقنن جزایی در مواردی، ارتکاب عملی را که فی نفسه جرم نیست، بر روی صغیر و غیر رشید جرم و قابل دانسته است؛ از جمله می‌توان به ماده ۵۹۶ قانون اسلامی اشاره کرد. این ماده برای شخصی که با استفاده از ضعف نفس افراد غیر رشید به ضرر آنها، نوشته یا سندی اعم از تجاری یا غیر تجاری مثل سفته، برات، چک، حواله، قبض یا مفاصا حساب را تحصیل می‌نماید که به نحوی موجب التزام غیر رشید یا برات ذمه دیگری شود، علاوه بر جبران خسارت به حبس از شش ماه تا دو سال و جزای نقدی از یک میلیون تا ده میلیون ریال محکوم نموده است. علاوه بر وجود مقررات کیفری و حمایت‌های قانونگذار از کودکان بنظر میرسد وجود پلیس‌های حمایتی خاص و بخصوص استفاده از کادرها و مشاوران زنان دلسوز و آموزش دیده در برخورد مناسب با کودکان بزهدیده و انجام حمایت‌های خاص بتواند در پیگیری از بزهدیدگی کودکان موثر باشد. از کودک آزاری از جمله جرایم مهم و شایع علیه کودکان است که به دلیل مخفی ماندن آن از چشم پلیس و دستگاه عدالت ممکن است به طور مکرر از سوی سرپرستان

کودک اتفاق می افتد. برای پیشگیری از تکرار جرم کودک آزاری، ایجاد قوانینی جهت گزارش دادن جرم کودک آزاری از سوی مطلعین، ایجاد نهادهای استاندارد جهت نگهداری کودکان بزه دیده و آموزش کارکنان و... از توسعه بزه دیدگی کودکان جلوگیری می کند. همچنین نحوه رفتار نهادهایی که کودکان بزه دیده به آنجا سپرده می شوند از اهمیت بالایی برخوردار است. کودک به سبب تخریب شخصیتی از خانواده جدا شده و برای اصلاح و بازپروری به این نهادها سپرده می شود تا علاوه بر سازگاری مجدد از بزه دیدگی مجدد آنها جلوگیری شود. اهمیت حمایت از کودک وقتی بیشتر می شود که به عدم توان کودک در حمایت از خویش بیندیشیم. بنابراین به جاست کودکانی که یک بار مورد کودک آزاری و بزه دیدگی واقع شده اند و ثابت شده پدر و مادرانی خشن دارند مورد حمایت و نظارت بیشتری قرار گیرند و به سادگی از کنار بزه دیدگی آنها نگذریم. بزهکارانی که برای رسیدن به اهداف خود از کودکان استفاده می کنند باید متحمل اشد مجازات شوند؛ زیرا وقوع جرم از طرف کودک آسیب سنگینی بر روان کودک دارد. این دسته از کودکان یا بزهکاری را ادامه می دهند یا دچار آسیب روحی و روانی شدیدی می شوند که از موارد بزه دیدگی کودکان است. نهادهایی که حمایت از طفل را بر عهده دارند در جهت کاهش آسیب های روحی و جسمی و جلوگیری از بزه دیدگی مجدد آنها نقش بسزایی دارند. از جمله این نهادها می توان به مراکز ارائه خدمات پزشکی، روان پزشکی، روانشناختی، اجتماعی، اقتصادی و حقوقی اشاره کرد. به نظر می رسد این گونه مؤسسات باید تحت نظر قرار گیرند تا احتمال تخطی آنها کاهش یابد. از دیگر موارد بزه دیدگی مکرر کودکان، در برخورد با پلیس است؛ برخورد غیرمنطقی و غیرتخصصی باعث می شود کودک خدمات جبران ناپذیری ببیند. بنابراین وجود پلیس متخصص از اهمیت بالایی برخوردار است. توجه به بزه دیدگی و بزهکاری کودکان باعث ایجادشاخه نوینی در سیاست جنایی به نام سیاست جنایی افتراقی کودکان و نوجوانان گردید. در مرحله تحقیق، تحقیق از طفل از سوی پلیس باید به گونه ای باشد که باعث تشدید

آلام روحی او نشود. به یاد آوردن ارتکاب جرم برای کودک بزه دیده آسیب‌های روحی و جسمی فراوانی دارد. ضبط صدای کودک بزه دیده برای جلوگیری از تکرار بازگویی صحنه جرم از طرف کودک و همچنین مجهز بودن تحقیقات از کودک بزه دیده به وسایل مدرن بسیار مؤثر است. بعد از کشف جرم مرحله رسیدگی است که با ارجاع طفل به مراجع قضایی امکان بزه دیدگی مجدد او وجود دارد. سازوکارهایی که در این مرحله قابل بررسی اند عبارتند از: ارجاع طفل به دادگاه کودکان، همراه داشتن وکیل و سرپرست طفل، توضیح مراحل قضایی به نحوی قابل فهم، تشویق کودک به همکاری با پلیس، تأمین مکانی امن برای دادرسی برای کودک، عدم انتشار نام و عکس کودک به خارج از دادگاه، ارجاع طفل و والدین به نهادهایی که به کودک کمک روانی، مالی و قانونی کنند، سرعت در دادرسی، استفاده از دوربین‌های مدار بسته و سایر تجهیزات مدرن، همچنین وضع آیین دادرسی ویژه کودکان در جهت حمایت از آنها بسیار مؤثر است. پیشگیری اجرایی نیز از تکرار بزه دیدگی کودکان در حین اجرای دستورات قضایی یا نهادهایی حمایتی که کودک به آنجا مراجعه میکند مربوط می‌شود لذا اجرای تصمیمات قضایی از سوی پلیس آموزش دیده از تکرار بزه دیدگی کودکان پیشگیری می‌کند.

بند پنجم: پیشگیری از تکرار بزه دیدگی سالمندان و ناتوانان

امروزه در گستره بزه دیده شناسی حمایتی با تخصصی شدن حمایت‌های ناظر بر بزه دیده رو به رو هستیم، به نحوی که بزه دیدگان آسیب پذیر از جمله سالمندان و ناتوانان به عنوان طیفی خاص از بزه دیدگان که نیاز به دیگران دارند مستحق دریافت حمایت متناسب با بزه دیدگی‌شان هستند و توجه بزه دیده شناسی را به خود معطوف داشته اند تا مکرراً مورد بزه دیدگی واقع نشوند. سالمندان و ناتوانان به عنوان گونه‌ای خاص از بزه دیدگان هستند که نه تنها شرایط جسمی و ناتوانی آنها را در معرض بزه دیدگی قرار می‌دهد، بلکه آسیب مضاعفی را در پی وقوع بزه متحمل می‌شوند. این مسئله حمایت عدالت کیفری را در راستای ارائه تمهیداتی برای حمایت از بزه دیده را دشوارتر می‌کند. مؤلفه‌های ترس در ناتوانان، سالمندان

و بزه دیدگان بالاست و بیش از دیگران احساس ترس می کنند. بنابراین سزاست که متولیان امر در فرایند رسیدگی به جرم و درمان رفتاری توأم با همدردی و عاری از هرگونه ترحم در پیش گیرند. برقراری تعامل صحیح با سالمندان و ناتوانان نیازمند آموزش قضات و در نتیجه استفاده از ضابطینی تخصصی است در برخورد با این طیف از بزه دیدگان در جهت جلوگیری از بزه دیدگی مجدد آنها است. بازتاب رفتار صحیح با سالمندان و ناتوانان را می توان در تمایل مشارکت آنان در همکاری با پلیس و دستگاه قضایی مشاهده کرد. بنابراین ناتوان و سالمند فقط خود را دلیلی برای اثبات جرم نمی بیند بلکه نسبت به ایفای نقشی مشارکتی و فعالانه در نظام عدالت کیفری ترغیب می شود. به موازات فرایند درمان اتخاذ تدابیری ترمیمی ازسوی پلیس که باعث جبران آسیب های ناشی از جرم می شود به پیروی از آموزه های بزه دیده شناسی بسیار مؤثر است. در همین راستا دسترسی پذیری به امکاناتی که به منظور ترمیم لطمات وارده به ناتوانان و سالمندان بزه دیده فراهم شده و همچنین عاری از تبعیض آمیز بودن آنها، به طوری که، در نظریه برابری فرصت ها مطرح می شود، از جمله مؤلفه های مهمی است که باید در سازوکار های ترمیمی در نظر گرفته شود که این مهم ازسوی ضابطین پلیس امکانپذیر است تا با اتخاذ تدابیری از گسترش بزه دیدگی سالمند و ناتوان نشود. توان بخشی با محوریت اعاده وضع سابق برای ناتوانان و سالمندان، همنا سازی وی را با جامعه به گونه ای که بتواند خود را با شرایط جامعه وفق دهد تسهیل می کند.^۱ بالا بردن هزینه جرم از رهگذر افزایش مجازات جرایم علیه سالمندان و ناتوانان که با توجه به ضعف جسمی آنان بیشتر مورد توجه بزه کاران هستند همچنین حساس سازی حقوق کیفری چه از لحاظ ماهوی (مانند جرم انگاری ویژه) و چه از لحاظ شکلی (مانند آموزش ضابطین در برخورد با ناتوانان و سالمندان) سهم به سزایی در پیشگیری از بزه دیدگی سالمندان و ناتوانان و تکرار جرم علیه آنان دارد. از طرفی جرم انگاری برابر در وضع قوانین باعث احساس خشنودی در ناتوانان و سالمندان نسبت به حمایت دستگاه عدالت کیفری از آنان می شود؛ زیرا ناتوان نه تنها در می یابد که به عنوان

^۱ سماواتی پیروز، امیر، ناتوانان بزه دیده؛ از بایسته های جرم شناسی تا قوانین و مقررات کیفری، نشریه حقوقی دادگستری،

تابع حقوق کیفری شناخته شده بلکه از حقوق برابر با سایر افراد برخوردار است. از دیگر مؤلفه های پیشگیری از تکرار بزه دیدگی سالمندان و ناتوانان، جنبه عمومی دادن به این گونه از جرایم است تا تمامی افراد مطلع از وقوع بزه دیدگی به پلیس گزارش دهند زیرا سالمندان و ناتوانان به دلیل محدودیت جسمانی گاهی قادر به طرح شکایت نیستند و این خود باعث تکرار جرم علیه آنان می شود. بنابراین باید فارغ از موضوعیت بخشیدن به نحوه اعلام جرم، حمایت کیفری را معطوف این بزه دیدگان " ساکت یا خاموش " نمود. تأمین امنیت بزه دیده سالمند و ناتوان در بستر دادرسی منصفانه باعث کاهش هراس سالمند و ناتوان از گزارش وقوع جرم می شود. بااینکه خود این هراس عاملی برای بزه دیدگی مکرر است، بزهکاران نیز از این هراس سوءاستفاده کرده و سیل جرم را روی این افراد متمرکز می کنند. افزایش شمار مطلق و نسبی سالمندان و ناتوانان در همه جوامع، مسائل مثبت و منفی جدیدی را مطرح ساخته است. یکی از مشکلات، افزایش میزان بزه دیدگی آنان^۱، آزار، خشونت و غفلت نسبت به آنهاست. و از طرفی دیگر سالمندان و ناتوانان به دلیل ویژگی های جسمی و روانی که دارند، پیرو این حوادث متحمل خسارات سنگین تری از افراد دیگر می شوند و روند ترمیم خسارات آنها کندتر و گاه متوقف است. سالمندان و ناتوانان هنگامی که در فرایند عدالت کیفری در مقابل پلیس، دادگاه و ... می ایستند، ضعیف تر عمل می کنند.

نتیجه گیری

۱- تا دهه های اخیر نظام های حقوقی (به ویژه قوانین آیین دادرسی کیفری و جزایی) و مکاتب جرم شناختی، بیشتر به متهم توجه داشته اند و به حقوق و نیازهای بزه دیده کمتر توجه کرده اند. اندیشه حمایت از بزه دیده در دهه های اخیر موجب توجه جرم شناسان، قانون گذاران، مقامات قضایی و پلیس شده و اقدامات قابل توجهی در جهت حمایت از بزه دیدگان، خواسته ها و تأمین نیازهای آنان صورت گرفته است.

¹ Silent victims

² older victims

۲- بزه دیدگان جرایم مختلف متناسب با سن، جنسیت، توانایی جسمانی خواسته‌ها و نیازهای متفاوتی دارند که لازم است مورد توجه دستگاه عدالت کیفری به ویژه مأموران پلیس قرار گیرد. حقوق و نیازهای عمومی و مشترک بزه دیدگان عبارت‌اند از: حق تأمین امنیت و آسایش، رفتار کرامت‌مدار با بزه دیدگان توجه به نگرانی آنان، همدردی با بزه دیدگان، حفظ هویت و آبروی آنان، جبران خسارت آنها، مشارکت دادن آنان در فرآیند کیفری، کمک‌رسانی به بزه دیدگان در صحنه جرم و ساعات اولیه پس از بزه دیدگی، ارائه مشاوره و دادن آگاهی‌های لازم به آنان، حق دسترسی سریع و آسان به پلیس، حق دسترسی به پلیس زن برای زنان بزه دیده، خوش رفتاری و مهربانی پلیس با بزه دیدگان، حمایت عاطفی و روانی از آنان، و بالاخره کشف جرم، شناسایی و دستگیری متهمان و انجام صحیح و دقیق تحقیقات مقدماتی توسط پلیس

۳- مشارکت بزه دیدگان در فرآیند کیفری، در همه نظام‌های حقوقی چه در زمینه اعلام گزارش و چه در زمینه ارائه اطلاعات ناشی از جرم نقش بسزایی دارد. به خصوص در جرایمی که جنبه خصوصی دارند باعث دستگیری مجرمان شده و از تجری آنان و زیان‌های بعدی جلوگیری می‌کند.

۴- در اختیار داشتن جدیدترین و علمی‌ترین تکنولوژی موجب می‌شود که پلیس در کشف و پیگیری بزه‌کاران مقتدر بوده و به خصوص در دستگیری بزه‌کارانی که با ضریب هوشی بالا به آسانی در دام پلیس نمی‌افتند ابتکار عمل به خرج دهد و در برابر حیل‌های بزه‌کاران عملکرد قویتری داشته باشد.

نهایتاً و در راستای موضوع این مقاله پیشنهاد می‌شود به منظور تأمین خواسته‌های بزه دیدگان از سوی پلیس، برنامه‌های اجرایی لازم از سوی واحدهای مختلف و ذی‌ربط پلیس به ویژه پلیس پیشگیری و پلیس آگاهی تهیه و به مورد اجرا گذاشته شود. از جمله این برنامه‌ها بالا بردن سطح آگاهی افراد جامعه در رابطه با بزه و بزه دیدگی، ارائه مشاوره به بزه دیدگان و خانواده‌های آنان در جهت کاهش آلام آنان می‌باشد.

منابع و مأخذ

- آنسل، مارک، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران: تهران انتشارات دانشگاه، ۱۳۷۰
- آقایی، سید سعید، مبانی مددکاری اجتماعی، تهران: انتشارات دانشکده، چاپ چهارم، ۱۳۹۳
- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، ج ۱، تهران: نشر میزان، چاپ ششم، ۱۳۹۲
- انصاری، ولی الله، حقوق تحقیقات جنایی، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۸۰
- انصاری، ولی الله، کشف علمی جرایم، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۸۰
- باهری، محمد، تقریرات حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات رهام، چاپ اول، ۱۳۸۲
- بهشتی، محمد جواد و نادر مردانی، آیین دادرسی مدنی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ج ۲، ۱۳۸۵
- خاکپور، محمد مهدی، جرم شناسی زنان؛ تهران: موسسه مطبوعاتی عطائی، ۱۳۸۴
- رایجیان اصلی، مهرداد، بزه دیده در فرآیند کیفری؛ تهران: نشر خط سوم، ۱۳۸۱
- راب وایت و فیونا هینز، جرم و جرم شناسی؛ ترجمه علی سلیمی، چاپ سوم، تهران: پژوهشگاه حوزه دانشگاه، ۱۳۸۶
- شمس، عبد...، آیین دادرسی مدنی، تهران، انتشارات دراک، چاپ هشتم، جلد سوم، ۱۳۹۴
- صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، ج ۱، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ ششم، ۱۳۷۴
- عباس، مصطفی، عدالت ترمیمی؛ دیدگاه نوین عدالت ترمیمی، نشریه پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۹، ۱۳۸۲

کریمی درمنی، حمید رضا، نوتوانی گروه‌های خاص، تهران: انتشارات گسترده، ۱۳۸۲

کوشا، جعفر، جرایم علیه عدالت قضایی؛ تهران نشر: میزان، ۱۳۸۱

گلدوست جویباری، رجب؛ کلیات آیین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات جنگل، چاپ

دوم، ۱۳۸۶

محمد نسل، غلامرضا، پلیس و سیاست پیشگیری از جرم؛ تهران: دفتر تحقیقات کاربردی

پلیس پیشگیری ناجا، ۱۳۸۷

مدنی، سید جلال الدین: آیین دادرسی کیفری، ج ۱ و ۲، تهران: انتشارات پایدار، چاپ

چهارم، ۱۳۸۷

مهدی‌پور، کاظم، آنچه لازم است ضابطان دادگستری بدانند، تهران، انتشارات مجد، چاپ

اول، ۱۳۸۵

ولیدی، محمد صالح، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات خورشید، چاپ اول،

۱۳۸۲

سماواتی پیروز امیر، ناتوانان بزه دیده؛ از بایسته‌های جرم‌شناسی تا قوانین و مقررات

کیفری، نشریه حقوقی دادگستری، شماره ۵۳ و ۵۲، ۱۳۹۴

